

منهای فوتبال

دو سهمیه و یک نفره سوغاتی روسیه



فینال گرندپری در حالی در مسکو بر گزار شد که نگاه‌های بسیاری به شیاپ‌چانگ این رقابت‌ها دوخته شد. نگاه‌هایی امیدوار به کسب سهمیه المپیک که سرانجام در پایان آن در دو وزن نمایندگان کشورمان موفق به کسب سهمیه المپیک شدند. آرمین هادی‌پور در ۵۸- کیلوگرم و میره‌هاشم حسینی در ۶۸ کیلوگرم با وجود اینکه دست‌شان به مدال فینال گرندپری نرسید، امتیازاتی که جمع کردند به دادشان رسید تا با دست پر از سرزمین تزارها برگردند. هادی‌پور با احتساب امتیازات رقابت گرندپری مسکو و کسر امتیازاتی که در گذشته کسب کرده است با ۳۴۵ امتیاز در رده پنچ قرار می گیرد و به این ترتیب به وجود مدال گرفتن در مسکو، نامش در لیست المپیکی هاقرا می گیرد. میره‌هاشم هم با ۳۱۳ امتیازی که داشت و همچنین قرار داشتن در رده ششم رتکینگ المپیکی دومین سهمیه ایران را برای المپیک ۲۰۲۰ به دست آورد. سروش احمدی دیگر نماینده ایران در وزن میره‌هاشم بود که در نخستین مبارزه برابر «پائولو پرز» از اسپانیا ۲۳-۱۶ باخت و کنار رفت. اما سجاد مردانی کاپیتان تیم ملی با وجود اینکه مدال نقره مسکو را به گردن او ریخت، در کسب سهمیه المپیک ناکام ماند. او برای المپیکی شدن محکوم به کسب مدال طلا بود ولی با قبول شکست برابر حریف کره‌ای خود، برای رسیدن به المپیک باید در گرنداسلم روی سکوی نخست بایستد. سجاد مردانی با توجه به اینکه در دو مرحله قبلی مسابقات گرنداسلم موفق به کسب یک مدال طلا و برنز شده، سهمیه حضور در مسابقات گرنداسلم را دارد.

■ ■ ■

پیچ بزگ میزبانی جام جهانی!

حسن رنکرز سخنگوی فدراسیون کشتی در خصوص وضعیت میزبانی ایران از جام جهانی کشتی فرنگی عنوان داشت: «تحدایه جهانی در حال رایزنی با کشورها برای تعیین تاریخ توافقی است. ایملی از اتحادیه دریافت کردیم که تاکنون با ژاین در این زمینه رایزنی شده و اعلام کرده که محدودیت و منعی برای حضور در ایران ندارد. حسب ایملیل قبلی، اتحادیه با یک به یک کشورهایی که قرار بود در این رقابت‌ها شرکت کنند، رایزنی می کند تا به زمان مشخصی برسد.» وی افزود: «مجموعه اقداماتی که لازم بود برای این میزبانی انجام شود را انجام دادیم. اینطور که مشخص است میزبانی ما قطعی است اما باید تاریخ و چگونگی برگزاری‌اش از سوی اتحادیه جهانی اعلام شود. هنوز نمی توانیم بگوییم که این رقابت‌ها بر گزار نمی شود چون گام‌هایی که فدراسیون جهانی برداشته، موید این نکته است که اراده اتحادیه جهانی بر برگزاری این رقابت‌هاست حتی با وجود زمان اندکی که تا پایان سال میلادی ۲۰۱۹ وجود دارد.»

■ ■ ■

تعطیلی لیگ برای یک بار تمرین

محمدرضا داوورزنی رئیس جدید فدراسیون والیبال از همان مجمع انتخاباتی که رای آورد، روی اولویت داشتن تیم ملی و انتخابی المپیک تاکید داشت. در همین راستا او در نخستین تصمیماتش لیگ والیبال را تعطیل کرد تا تار دوی تیم ملی جهت آماده‌سازی انتخابی المپیک برپا شود. این تصمیم صدای اعتراض بسیاری از مربی‌ها و باشگاه‌ها را به دنبال داشت اما در نهایت طبق آنچه اعلام شده بود، لیگ بر تر والیبال در دهمین هفته خود (یکشنبه) تعطیل شد تا اردوی تیم ملی چند روز بعد (چهارشنبه) بر گزار شد. شاگردان ایگور کولاکوویچ چهارشنبه در شرایطی که مربی بدنساز تیم در ایران نبود، یک جلسه تمرینی بر گزار کردند، روز پنجشنبه تمرینات به دلیل بسته بودن درهای ورزشگاه آزادی تعطیل شد و روز جمعه هم کادر فنی به ملی پوشان استراحت داده به این ترتیب ۶ بازی از هفته یازدهم لیگ بر تر لغو شد تا تعدادی بازیکن دور هم جمع شوند و تنها یک جلسه تمرین کنند! همچنین فدراسیون هنوز چالش توپ را هم دارد و هنوز توپ‌های جدید فراهم نشده است. ایگور کولاکوویچ هم بعد از نخستین تمرین از جدی شدن کار از روز شنبه (دیروز) خبر داد.

درباره تراکتورسازی؛ تیمی که سرمر بیانش را قربانی می کند

مردن با خنجر خودی!

همین چند روز قبل بود که مصطفی دنیزلی، امیدوارانه از پیاده شدن ایده‌هایش در تراکتورسازی حرف می زد. او دائماً تاکید داشت که برای به ثمر رسیدن یک «پروژه موفق» در فوتبال، باید «صبر» داشت و عجلایانه تصمیم ن گرفت. مدیران باشگاه اما در یکی از عجولانه ترین تصمیم‌های ممکن، پیر مرد محبوب فوتبال ترکیه را از نیمکت باشگاه بر کنار کردند. دنیزلی باز هم در فوتبال ایران جامی به دست نیاورد و این بار، کوتاه ترین دوران حضورش در یک تیم ایرانی را سپری کرد. با این تغییر، به نظر می رسد در این فصل هم نباید حساب ویژه‌ای روی سر نوشت تیم تبریزی باز کرد.



با پنج پیروزی و دو تساوی در هفت هفته ابتدایی، تراکتوری‌ها بهترین شروع‌شان در همه ادوار لیگ بر تر را پشت سر گذاشتند اما همه چیز بعد از شکست دو بر یک در زمین نفت آبادان به هم ریخت. تراکتور بالاخره گل خورد و بالاخره یک مسابقه را بدون امتیاز ترک کرد. جدال با استقلال، می توانست فرصت خوبی برای عبور از این بحران باشد اما دفاع سه نفره جدید که ناگهان هم در استفاده افندی قرار گرفته بود، اصلاً جواب نداد و تیم شکست سنگینی را در یادگار امام

اتفاق روز

درباره مدیران ناتوانی که نان نتایج تیم‌شان را می خورند

دشمن در خانه است!

آریا طاری

بدقولی، بدقولی و باز هم بدقولی! این مهم ترین عادت مدیران باشگاه استقلال در لیگ نوزدهم است. مدیرانی که چشم‌شان را روی شرایط حساس تیم بسته‌اند و همچنان قصد ندارند کادر فنی و ستاره‌های تیم‌شان را راضی نگه دارند. استراماچونی با یک ترکیب متوسط، تیمش را صدرنشین لیگ بر تر کرده و در زمین فوتبال به هیچ تیمی باج نمی دهد اما هیچ تضمینی وجود ندارد که او و شاگردها، حریف مدیران باشگاه خودشان بشوند! خطر فروپاشی در استقلال، جدی به نظر می رسد و ظاهراً آنها این فتحی و همکاری‌ها هستند که دوست ندارند این حقیقت را درک کنند.

دو روز بعد از پیروزی دلچسب خانگی برابر شهر خودرو، آندر استراماچونی بالاس شخصی در جلسه تمرینی تیمش حضور پیدا کرد و حاضر به تمرین دادن مهره‌های آبی پوش نشد. شنیده می شود اگه وعده‌های مدیران باشگاه به این مربی عملی نشود، او از روزهای آینده حتی در جلسه‌های تمرینی نیز حاضر

سوژه روز

نگاهی متفاوت به رفتارهای قلعه‌نویی

بفرمایید سیرک!

«به خاطر یک پنالتی، مملکت را به هم ریختند!» شاید باورتان نشود اما این جمله از زبان همان مردی مطرح شده که فصل گذشته به خاطر یک پنالتی در مسابقه تیمش با پرسپولیس، فوتبال ایران را با «سیرک» مقایسه کرده بود. امیر قلعه‌نویی اساساً تنها دو نوع واکنش به اشتباه‌های داوری دارد. اگر داورها به سود تیم او سوت بزنند، ناگهان هر کسی که به داوری اعتراض دارد مورد نقد ژنرال قرار می گیرد. او از تیم‌ها و مربیان مختلف می‌خواهد که به داورها فشار نیاورند و اجازه بدهند که این داورها در یک فضای سالم، کارشان را انجام دهند. تا

تجربه کرد. تراکتورسازی در چهار بازی گذشته‌اش در لیگ بر تر، تنها یک امتیاز به دست آورده اما هنوز نمی توان این تیم را یک تیم بحران زده دانست. اتفاق دیگری که به ضرر این تیم تمام شد، نیز، لغو دوبدار متوالی تراکتور در لیگ بر تر بود. موضوعی که این تیم را از آمادگی ایده‌آل و فرم مطلوب دور نگه داشت. تراکتورسازی تبریز در ۱۱ بازی این فصل لیگ بر تر، ۱۸ امتیاز تصاحب کرده است. اگر آنها در دودیدار، به تعویق افتاده لیگ بر تری‌شان به پیروزی دست پیدا

اتفاق روز

گرافیکیت و جذاب را به جای بنزین، با «آب» به جلو هدایت کنند. طبیعتاً این خودرودر نقطه‌ای از مسیر، خاموش می شود و دیگر نمی تواند به حرکتش ادامه بدهد. با این روند، نباید به آینده این تیم نیز امیدوار بود. تیمی که در حصار ی از مشکلات درونی گرفتار شده است.

رقیب اصلی این فصل استقلال، چه کسی است؟ آیا پرسپولیس می‌ها می توانند مانع موفقیت این تیم شوند؟ آیا آنها باید نگران سپاهان و تراکتورسازی و شهر خودرو باشند؟ این استقلال در زمین فوتبال، از هیچ حریفی هراس ندارد اما بیرون از زمین، تهدیدهای زیادی در اطراف این تیم شکل گرفته است. استراماچونی تا امروز کارهای زیادی برای استقلال انجام داده و مدیران باشگاه در مقابل، تنها یک وظیفه داشتند اما در کمال ناباوری، آنها نتوانستند ذهنی یک وظیفه ساده را نیز به درستی انجام بدهند. اگر امیر حسین فتحی و اعضای هیات مدیره باشگاه نمی توانند برای استقلال درآمزی کنند، چرا از این تیم جدا نمی شوند؟ اصلاً مگر دلیل حضور اعضای خاص هیات مدیره، شرایط مالی آنها نبوده است؟ پس چطور آنها حتی یکی از اقساط قرارداد استراماودستیارانش را پرداخت نمی کنند تا تیم از شرایط فعلی خارج شود؟ حتماً باید از مدیران مرز بحران برسد و استراما در آستانه رفتن به فرودگاه باشد که آنها ناگهان مثل سوپرمن ظاهر شوند و خودشان را به عنوان ناجی باشگاه معرفی کنند؟ هر روز و هر هفته از لیگ، برای تیمی که قصد دارد قهرمانی را از آن

کنند، عملاً تنها یک امتیاز کم تر از صدرنشین فعلی جدول دارند. علاوه بر این تراکتور با دنیزلی به یک چهارم نهایی جام حذفی نیز رسیده است. در واقع هنوز همه درها برای این تیم باز بودند و در چنین شرایطی، مالکان باشگاه با یک تصمیم حیرت‌انگیز دیگر، حکم بر کناری سرمربی‌شان را صادر کردند. گزینه جانشینی دنیزلی، احتمالاً یک مربی خارجی دیگر خواهد بود. تا وقتی که او به شرایط جدید تیمش عادت کند، فرصت طلایی تراکتور برای رسیدن به موفقیت از دست رفته است. این اولین بار نیست که یک سرمربی خارجی در تراکتور، قربانی سیاست‌های عجیب کادر مدیریتی باشگاه می شود. آنها هر سال در بازار ستاره‌های زیادی را به خدمت می گیرند اما ریخت و پاش هادر باشگاه تبریزی به مدیریت درست متصل نمی شود تا همچنان دست این تیم از جام‌های قهرمانی کوتاه بماند. آنها فصل گذشته، به چهره نام‌آشنایی مثل «جان توشاک» استارت زدند اما خیلی زود محمد تقوی را جانشین او کردند. باشگاه حتی پای تقوی نیز نماند و جرج لیکنز را به جای او روی نیمکت نشاند اما در نهایت حکم بر کناری لیکنز نیز در پایان فصل امضا شد و باشگاه به سراغ مصطفی دنیزلی رفت. یک فصل قبل از آن نیز در دست همین اتفاق برای باشگاه رخ داده بود. در لیگ بر تر هفدهم، آنها کار را با یحیی گل محمدی و گروهی از بازیکنان جوان شروع کردند اما همین که آن تیم در مسیر اوج گیری قرار گرفت، یحیی بر کنار شد و در نهایت ارطغرول سزاغلام به جای او روی نیمکت نشست. خود سزاغلام هم اما نتوانست زمان زیادی در فوتبال ایران دوام بیاورد. در واقع تراکتورسازی از شروع لیگ هفدهم تا امروز، ۶ سرمربی

تراکتورسازی تبریز در ۱۱ بازی این فصل لیگ بر تر، ۱۸ امتیاز تصاحب کرده است. اگر آنها در دو دیدار به تعویق افتاده لیگ بر تری‌شان به پیروزی دست پیدا کنند، عملاً تنها یک امتیاز کم تر از صدرنشین فعلی جدول دارند. علاوه بر این تراکتور با دنیزلی به یک چهارم نهایی جام حذفی نیز رسیده است

مختلف را امتحان کرده و به زودی نفر هفتم را نیز مورد آزمایش قرار خواهد داد. مشکل اصلی باشگاه اما «سرمربی»‌ها نیستند و برای موفق بودن، چیزهای دیگری در تراکتور باید تغییر کنند.

پول زیاد و قدرت مدیریت ناچیز؛ هم‌نشینی این دو کنار هم، تراکتور را آزار داده و خواهد داد. «سیاست حذفی» مدیران باشگاه تا امروز نه تنها به سود قزمزهای تبریز نشده، بلکه حتی امیدهای قهرمانی این تیم را از همیشه کمرنگ تر کرده است. مربی‌ها حذف می شوند، ستاره‌ها حذف می شوند، گلر‌ها کنار می روند و باشگاه هر روز چهره تازه‌ای پیدا می کند. لایه لای این تغییر‌ها، «ثبات» در تراکتور گم شده و همین اتفاق، تیم را به بن بست کشانده است. سپری کردن یک فصل نقل و انتقالات شلوغ، تضمین موفقیت هیچ باشگاهی نیست. به ویژه باشگاه‌هایی که به محض روبه‌رو شدن با اولین نتایج بد، پشت سرمربی‌شان را خالی می کنند و چاره‌ای به جز شروع کردن همه چیز از نو، پیش روی خودشان نمی بینند.

خودش کند، اهمیت بسیار زیادی دارد. اگر هر امتیاز و هر جدالی به سادگی از دست برود، در انتهای فصل حسرت زیادی روی دل آبی‌ها قلی خواهد گذاشت. مردانیتالیایی و گروهش بیشتر از هر چیزی، به تمرکز نیاز دارند و این تمرکز، تنها در صورتی به دست خواهد آمد که استقلال بتواند مطالبات قانونی‌ا را پرداخت کند. در غیر این صورت بعید نیست بارها و بارها جلسه‌های تمرینی تیم، شرایط عادی را از دست بدهند. وقتی بازیکن‌ها می بینند که چنین رفتاری با سرمربی‌شان می شود، طبیعتاً آنها نیز انگیزه‌شان را تا حدودی از دست می دهند و دیگر با قدرت سابق به زمین نمی روند. هر اتفاقی که برای این تیم رقم بخورد، مقصر اصلی‌اش بدون شک مدیران باشگاه هستند. مدیرانی که در حساس ترین روزها، هیچ قدم مثبتی برای تیم برداشته‌اند. استراماچونی، مارک ویلموتس نیست که قید همه چیز را بزند و فرار را به قرار ترجیح بدهد. استراماچونی، مارک ویلموتس نیست که کارنامه‌اش برایش مهم نباشد و همه چیز را در توثیرت دنبال کند. او می‌خواهد بماند و بچنگد اما تحمل این مربی هم حدی دارد و بالاخره تمام خواهد شد. تحمل این مربی هم حدی دارد و بالاخره گریبان باشگاه را خواهد گرفت. حتی اگر امروز بخشی از دستمز او پرداخت شود، باز هم در آینده مدیران باشگاه کار را برای ماندن این مربی دشوار خواهند کرد. با این مدیره‌ها نمی شود از «آینده» حرف زد. چرا که آنها حتی در زمان حال نیز، قابلیت چندان ی از خودشان نشان نداده‌اند.

مهندسی شده، اصلاً افتخار آمیز به نظر نمی رسد. اعضای کادر فنی سپاهان، چطور این حجم از تناقض را روی شانه‌های‌شان حمل می کنند؟ چطور وقتی با اشتباه داوری امتیاز می گیرند، باید باور کنیم همه چیز خوب و سالم است اما همین که با یک تصمیم اشتباه امتیاز می دهند، عدالت و سلامت کاملاً زیر سوال می رود؟ آنها باید یک بار برای همیشه تکلیف‌شان را روشن کنند. اگر لیگ بر تر ایران واقعا مهندسی می شود، پس حتماً امسال عزمی برای قهرمانی سپاهان جزم شده. چرا که هر هفته یک اشتباه به سود این تیم صورت می گیرد. اگر هم لیگ مهندسی نمی شود، پس مربیان این باشگاه باید مسئولیت نتایج بد را بپذیرند و این چنین کودکانه، برای گم کردن صورت مساله به هر دری نزنند. با رومی روم و یا زنگی زنگ نمی توان همزمان منتقد مهندسی نتایج بود و از خدمات آن نیز بهره‌مند شد!

شک اگر این صحنه در محوطه جرمیه حریف اتفاق می افتاد، سپاهانی‌ها حالا تمام ساز و کار داوری در فوتبال ایران را زیر سوال برده بودند. طلایی‌ها همین هفته هم با یک گل «آفساید» از شکست در زمین نساجی مازندران فرار کردند. اگر این نساجی بود که در منطقه آفساید، شکست را به تساوی تبدیل می کرد، امروز قلعه‌نویی پرچمدار مبارزه با فساد در فوتبال ایران شده بود!

سال گذشته با هر کدام از اشتباه‌های داوری به ضرر سپاهان، کادر فنی این تیم به شکلی هماهنگ فرضیه «مهندسی لیگ» را مطرح می کردند. حالا توجیه آنها در قبال این اشتباه‌های مداوم به نفع سپاهان به ضرر رقبای این تیم چیست؟ آیا مهندسی نتایج لیگ، تنها مربوط به فصل گذشته بوده است؟ طبیعتاً اگر همین چنین بوده، دوم شدن در جدول یک لیگ

درگیری‌های لفظی سربای امیر با این داور، فغانی را به فکر مهاجرت از ایران انداخت. بزرگ ترین گناه فغانی از نگاه ژنرال، این بود که فصل گذشته در نقش



جهان یک پنالتی

اشتباه به سود پرسپولیس گرفت. آن هم در صحنه‌ای که هرگز به اندازه خطای هند واضح کی‌روش استنلی آشکار به نظر نمی رسید.



درباره تراکتورسازی؛ تیمی که سرمر بیانش را قربانی می کند